

دوفصلنامه جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۱، صفحات ۲۲۰-۱۹۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۰۷/۱۵

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۱/۱۲/۲۰

نقش تعیین‌کننده سرمایه‌های اقتصادی و اجتماعی در ناامنی غذایی شهروندان مطالعه موردی: شهروندان تبریزی

جعفر هزارجریبی^۱
فیروزه علیزاده‌اقدم^۲

چکیده

تغذیه لازم، کافی و مناسب یکی از عوامل مهم سلامت جسم و روان افراد و سرمنشأ رفاه فردی، امنیت غذایی، فرد است. لذا ناامنی غذایی، امروزه اهمیت خاصی دارد، به طوری که به یکی از شاخص‌های توسعه جوامع تبدیل شده است. بنابراین هدف پژوهش حاضر بررسی ناامنی غذایی در بین شهروندان تبریزی و عوامل موثر بر آن است. نمونه آماری تحقیق حاضر ۳۸۵ نفر از شهروندان تبریزی است که به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای مورد مطالعه قرار گرفتند. نتایج تحقیق حاکی از آن است که بین ناامنی غذایی و ابعاد حمایت اجتماعی و مشارکت اجتماعی، سرمایه اجتماعی رابطه معنی‌دار و معکوس وجود دارد، در حالی که بین اعتماد اجتماعی و ناامنی غذایی رابطه معنی‌داری مشاهده نگردید. همچنین نتایج تحقیق نشان داد که بین سرمایه اقتصادی و ناامنی غذایی رابطه معنی‌دار و معکوسی وجود دارد. به طوری که بین دسترسی به غذا و کیفیت غذایی رابطه معنی‌دار و معکوس ولی بین سرمایه اقتصادی و کیفیت غذایی رابطه معنی‌دار و مستقیم وجود دارد. این نتایج نشان داد که ناامنی غذایی شهروندان بر حسب مقطع تحصیلی و نوع شغل افراد متفاوت است. همچنین نتایج رگرسیونی تحقیق نشان داد که سرمایه اقتصادی و حمایت اجتماعی در کل ۲۵ درصد از ناامنی غذایی شهروندان را تبیین می‌کنند.

واژگان کلیدی: ناامنی غذایی، حمایت اجتماعی، مشارکت اجتماعی، اعتماد اجتماعی، تبریز.

Email:jhezarjaribi@gmail

۱- دانشیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی تهران.

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی رفاه اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی تهران.

بیان مسأله

غذا یکی از نیازهای اساسی انسان است و برای ادامه حیات آن لازم و ضروری است و بدون آن تداوم زندگی برای انسان میسر نیست. غذا سوخت انسانی برای هرگونه تحرک و حیات است. بنابراین امنیت غذایی یکی از نیازهای اساسی بشر است که در صورت به خطر افتادن آن، کل وجود انسانی به خطر می‌افتد. لذا ناامنی غذایی بر ابعاد مختلف سلامت انسانی، یعنی سلامت جسمانی، روانی، اجتماعی و حتی معنوی و فکری انسان تأثیر می‌گذارد. از طرفی دیگر رسیدن به توسعه اجتماعی و اقتصادی نیازمند نیروی انسانی سالم و قوی است.

دسترسی به غذای کافی و مطلوب و سلامت تغذیه‌ای، از محورهای اصلی توسعه و سلامت جامعه است (جعفری ثانی و بخشوده، ۱۳۸۷: ۱۰۵). نقش تغذیه در سلامت، افزایش کارایی، یادگیری انسان‌ها و ارتباط آن با توسعه اقتصادی طی تحقیقات وسیع جهانی به اثبات رسیده است. بنابراین در بین اولویت‌های اهداف توسعه هر کشور، دستیابی به امنیت غذایی اهمیت ویژه‌ای دارد. کارایی سیاست‌ها برای پاسخ‌گویی به کاهش فقر و بهبود معیشت عامل تعیین‌کننده‌ای جهت تأمین امنیت غذایی است. در بعد خانوار مهم‌ترین تعیین‌کننده امنیت غذایی، توانایی خانوار در تأمین کالاهای ضروری است (جعفری ثانی و بخشوده، ۱۳۸۷: ۱۰۵)، که برای تأمین آن نیز عوامل متعدد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تأثیرگذار است.

امنیت غذایی در حقیقت بنیان یک جامعه توسعه‌یافته و عنصر اصلی سلامت فکری، روانی و جسمی اعضای آن است و این در حالی است که طبق توصیه‌های خوار و بار جهانی بر ضرورت اتخاذ سیاست‌های ملی امنیت غذایی توسط دولت‌ها برای تضمین کیفیت و سلامت غذای قابل عرضه به شهروندان از طریق برقراری معیارهای ملی ایمنی تأکید شده است (رهبر و دهکردی، ۱۳۸۳: ۲).

ناامنی غذایی به مفهوم دسترسی محدود مردم در تمام اوقات به غذای کافی به منظور زندگی سالم و فعال است. همچنین فراهم بودن محدود غذای کافی و سالم از نظر تغذیه‌ای و کسب اطمینان از توانایی افراد برای دستیابی به غذای مورد قبول از راه‌های قابل قبول

اجتماعی، تعریف می‌شود. اگرچه ناامنی غذایی و گرسنگی، از محدودیت منابع مالی ناشی می‌شوند، اما اندازه‌گیری فقر و درآمد، اطلاعات واضحی درباره وضعیت امنیت غذایی نمی‌دهند. مطالعات نشان داده است که بسیاری از خانوارهای کم درآمد در وضعیت امن غذایی قرار دارند، درحالی که درصد کمی از خانوارهای غیرفقیر هم، ناامنی غذایی دارند (حکیم و همکاران، ۱۳۸۹: ۵۶). بنابراین می‌توان گفت که ناامنی غذایی به یک قشر و طبقه خاصی مربوط و منحصر نیست و هر طبقه‌ای اعم از بالا یا پایین به نوعی دغدغه خاص خود را در زمینه امنیت غذایی‌شان دارند.

در بررسی عوامل اجتماعی - اقتصادی و جمعیت شناختی مرتبط با امنیت غذایی، درآمد کل و سرانه خانواده به طور کلی سرمایه اقتصادی، عامل خطر برای امنیت غذایی محسوب شده است. کاهش درآمد باعث کاهش سطح تحصیلات، کاهش کیفی و کمی مواد غذایی مصرفی و افزایش ناامنی غذایی گزارش شده است (محمدپور کلد و همکاران، ۱۳۸۹: ۲۷۰).

ناامنی غذایی یکی از مشکلات جهانی است و بیشتر از ۸۲۵ میلیون نفر از مردم جهان از این مشکل رنج می‌برند که تقریباً ۹ میلیون نفر از آن در کشورهای پیشرفته و بقیه در کشورهای در حال توسعه هستند (محمدپور کلد و همکاران، ۱۳۸۹: ۲۶۴).

شهر تبریز به عنوان یکی از کلانشهرهای کشور از نظر ناامنی غذایی حائز اهمیت است. برای داشتن شهر و شهروندان سالم، که از نیازهای توسعه پایدار است پرداختن به امنیت غذایی یکی از اولویت‌های مهم است. امنیت غذایی فقط به طبقه خاصی مختص نیست. اگر در طبقات پایین امنیت غذایی از نظر کمی مشکل دارد، ناامنی غذایی از نظر کیفی در طبقات بالا هم مشاهده می‌شود. کلانشهر تبریز هم همچون کلانشهرهای دیگر، طبقات مختلفی را از نظر درآمدی و وضعیت اقتصادی شامل می‌شود که هر کدام می‌تواند به نوعی از ناامنی غذایی رنج ببرند. این پژوهش به دنبال پاسخ‌دهی به این سوال است که میزان ناامنی غذایی در بین شهروندان تبریزی در چه حدی است؟ و چه عوامل اجتماعی بر ناامنی غذایی شهروندان تأثیرگذاراند؟

چارچوب نظری

مطالعات جامعه‌شناسی تغذیه، موضوعی نسبتاً جدید است، هر چند که مردم‌شناسان اجتماعی از مدت‌ها قبل به امر تغذیه و غذا توجه داشته‌اند و شاید یکی از کارهای بنیادین در این زمینه، کتاب «خام و پخته» اثر «کلود لوی اشتروس» باشد. ممنوعیت‌ها و توصیه‌های مرتبط با غذا در جوامع گوناگون بشری، ابزار مفیدی را در تجزیه و تحلیل تفاوت‌های فرهنگی در سطح جهان به دست می‌دهد. از سوی دیگر توجه جامعه‌شناسان به امر غذا و تغذیه، بازتابی از اهمیت فزاینده اجتماعی و فرهنگی غذا در جوامع نوین صنعتی است. در جوامع امروزی زمینه‌های مختلفی از نظر فرهنگی با امر رژیم غذایی و بدن مرتبط گشته است. تهیه و تولید و توزیع غذا در خانه‌ها، با امر جنسیت و نقش جنس در ارتباط است و نشانی از شرایط تقسیم کار در جامعه دارد. مصرف غذا در اماکن عمومی تنها به جنبه گذران اوقات فراغت مربوط نیست، بلکه در حفظ و تحکیم شبکه روابط اجتماعی نیز موثر است (بابازاده، ۱۳۹۰: ۸).

افراد و خانوارها از دارایی یا سرمایه‌های مختلفی را برای فعالیت‌های تولیدی مورد استفاده قرار می‌دهند. از دیدگاه اقتصاددانان و جامعه‌شناسان، علاوه بر سرمایه فیزیکی و انسانی، یک منبع دیگر سرمایه اجتماعی است که شامل شبکه اجتماعی است که خانوارها به آن دسترسی دارند (رحمانی و نجفی، ۱۳۹۰: ۱۵۴).

صاحب‌نظران معتقدند که سرمایه اجتماعی در کاهش ناامنی غذایی و افزایش امنیت غذایی تأثیر بسزایی دارد. در همین راستا، کاواچی^۱ استدلال می‌کند که سرمایه اجتماعی قادر است شانس دسترسی به انواع مختلف حمایت‌های اجتماعی را در زمان‌های مورد نیاز افزایش دهد. در سطح خانوار، خانوارهایی که همسایگان‌شان به آنها اعتماد و شناخت کافی دارند، به احتمال زیاد برای رفع مشکل غذایی‌شان اقدام می‌کنند. این امتیاز به ظاهر بی‌اهمیت، می‌تواند از نظر دسترسی به غذا بخصوص برای خانوارهای کم درآمد تفاوت زیادی ایجاد نماید. در جامعه‌ای که سرمایه اجتماعی در سطح بالایی قرار دارد، به احتمال

1- Kawachi

بیشتر، مشتریان فروشگاه‌های مواد غذایی، به خاطر اعتبار و حسن‌نظر، مواد غذایی لازم را به صورت نسبی می‌گیرند تا بعداً پول آن را پرداخت نمایند. در مقابل، جامعه‌ای با سرمایه اجتماعی پایین‌تر به احتمال زیاد ممکن است علی‌رغم تلاش خانوارها، برای دسترسی به مواد غذایی از سوی همسایگان پشتیبانی نشوند (Martin and et.al, 2004: 2647). بنابراین می‌توان گفت خانوارهایی که سرمایه اجتماعی بیشتری دارند کمتر در معرض تجربه گرسنگی و ناامنی غذایی قرار می‌گیرند.

همچنین سسگویا^۱ اظهار می‌کند که سرمایه اجتماعی احتمال افزایش امنیت غذایی را در هر دو سطح جامعه و خانوار تقویت می‌کند. سرمایه اجتماعی در همه زمان‌ها بویژه در زمان بحرانی برای دسترسی خانوارها به مواد غذایی و یا جوامع آسیب‌دیده از طریق امکان دسترسی به شبکه‌های خارجی، روابط خویشاوندی و همبستگی اجتماعی با جامعه نقش تسهیل‌کننده ایفا می‌کند. در قالب سرمایه اجتماعی دسترسی به اطلاعات و منابع رسمی و غیررسمی به واسطه هنجارهای روابط و اعتماد متقابل و همبستگی در سطوح خانوادگی و اجتماعی آسان‌تر است و سرمایه اجتماعی با مکانیسم‌های مختلف در سطح خانواده و جامعه موجب افزایش امنیت غذایی می‌شود. به عنوان مثال، برخی از افراد و یا خانوارها ممکن است در مقایسه با جامعه دیگر، که سرمایه اجتماعی در آن در سطح بالایی است، بیشتر در معرض خطر ناامنی غذایی قرار گیرد. کمیت و کیفیت شاخص‌های سرمایه اجتماعی در امنیت غذایی تعیین‌کننده هستند (Sseguya, 2009: 16). همچنین دیگر سرمایه‌ها یعنی سرمایه فیزیکی و انسانی نیز، در امنیت غذایی و سرمایه اجتماعی تأثیر معنی‌داری دارند.

همچنین در زمینه تأثیر سرمایه اقتصادی بر ناامنی غذایی، تحقیقات متعدد به ویژه در کشورهای همچون استرالیا نشان می‌دهد که بین انتخاب غذاهای نامطلوب و فقر تغذیه با طبقه کارگر و گروه‌های دارای پایگاه اجتماعی پایین رابطه وجود دارد (Germov and Williams, 2004: 247).

1- Sseguya

تغذیه یک خانواده تحت محدودیت اقتصادی شدید، یک بحث مداوم است که با اضطراب و نگرانی درباره غذا و فقدان آن برای زندگی روزمره به وجود می‌آید که آن هم به طور روشن در تجارب غذایی مادرانی که در فقر زندگی می‌کنند خلاصه شده است. آنها با ناامنی مالی مداوم زندگی می‌کنند و جهت برآورد کردن نیازهای هر ماه ستیز می‌کنند. این ناامنی مالی گذرا نیست، اما واقعیتی است که هر روزه در زندگی آنها وجود دارد. شیوه‌های مصرف معمولی غذا با تصورات خیالی (غذای خوب) آنها انطباق ندارد. آنها اعتقاد بر این دارند که برایشان ممکن نیست برای بچه‌هایشان غذاهای متنوعی که باید مصرف کنند، تهیه کنند. غذا برای آنها منبع بالقوه‌ای از ترس، نگرانی و ناامنی است (Power, 2004: 31).

پس درآمد یکی از عوامل تأثیر گذار اولیه در تبیین ناامنی غذایی به کار برده می‌شود. درآمد خانوادگی ممکن است تاحدی از سالی به سالی دیگر تغییر کند و عدم ثبات درآمدی، خود زمینه‌ساز ناامنی غذایی می‌گردد (Reid, 1997: 4).

در حالی که در آمریکای شمالی در زمینه تأثیرات اقتصادی - اجتماعی در رژیم غذایی تحقیقات اندکی صورت گرفته است. با این حال بر روی رژیم غذایی در یک جزء آسیب‌پذیری محسوس در جمعیت ایالات متحده و کانادا تحقیقات قابل ملاحظه‌تری صورت گرفته است. نتایج آنها نشان می‌دهد: آنهایی که از نظر غذایی ناامن هستند، درآمد، مهم‌ترین عامل تعیین‌کننده ناامنی غذایی و گرسنگی آنها بوده است.

تحلیل‌گران کانادایی داده‌هایی را نشان می‌دهند که درآمد کم ناامنی غذایی یا عدم کفایت غذایی را افزایش می‌دهد. همچنین نتایج یک تحقیق ملی نشان می‌دهد خانوارهایی که در یک سوم پایین استانداردهای درآمد خانوار قرار دارند، نسبت به خانوارهایی که در یک سوم بالای درآمدی قرار دارند، از نظر غذایی دو برابر ناامن هستند (Power, 2004: 24).

پیشینه تحقیق

تحقیقی تحت عنوان شیوع ناامنی غذایی در خانوارهای شهر شیراز و ارتباط برخی عوامل اقتصادی - اجتماعی و جمعیتی با آن در سال ۱۳۸۷ توسط رامش و همکاران با هدف تعیین

شیوع ناامنی غذایی در خانوارهای شهر شیراز و برخی عوامل مرتبط با آن صورت گرفت، نتیجه حاصل از این تحقیق این بود که شیوع ناامنی غذایی در خانوارهای زن سرپرست بیشتر بود. مادران نیز نسبت به سایر پاسخ‌دهنده‌ها ناامنی غذایی بیشتری گزارش کردند. ناامنی غذایی با وضعیت اقتصادی-اجتماعی پایین، رابطه مثبت معنی‌داری نشان داد (رامش و همکاران، ۱۳۸۷: ۵۳).

عوامل موثر بر ناامنی غذایی، یک مطالعه مقطعی در شهر تبریز سال ۸۴-۱۳۸۳ عنوان تحقیقی است که توسط دستگیری و همکارانش، در سال ۸۴-۱۳۸۳ به صورت مقطعی بر روی ۳۰۰ نفر از افراد انجام گرفت و میزان شیوع ناامنی غذایی با استفاده از پرسشنامه کوتاه شش سوالی ارزیابی شد. نتایج حاصل از این مطالعه مؤید تأثیر عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بر امنیت غذایی است و شیوع بالای مشکلات تغذیه‌ای را در جامعه نشان می‌دهد (دستگیری و همکاران، ۱۳۸۵).

تحقیقی با عنوان، بررسی تطبیقی تفاوت‌های جنسیتی در عادات‌های غذایی دانشجویان ایرانی و هندی، توسط ریاحی در سال ۱۳۸۴ برای یافتن رابطه برخی از عوامل روانی-اجتماعی و فرهنگی، با الگوی عادات‌های غذایی در دختران و پسران دانشجوی دانشگاه مازندران و دانشگاه پنجاب هند انجام گرفته است. یافته‌های پژوهش نشان داد که عادات‌های غذایی با متغیرهای جنسیت، فرهنگ، پایگاه اجتماعی-اقتصادی خانواده، میزان توجه به سلامت، باورهای درباره سلامت، و دانش بهداشتی رابطه دارد. روی هم رفته، دختران بیش از پسران و دانشجویان هندی بیش از دانشجویان ایرانی عادات‌های غذایی سالم و سودمند دارند که آنها را در برابر بیماری‌های مزمن و غیرعفونی انجام گرفته مقاوم می‌سازد.

شیوع و عوامل موثر بر ناامنی غذایی خانوار، یک مطالعه مقطعی در دهستان قره‌سو از توابع شهرستان خوی، عنوان پژوهشی است که توسط شرفخانی و دستگیری و همکاران در سال ۱۳۸۸ به اجرا درآمد. بر اساس یافته‌های آن، وضعیت مسکن، وضعیت خودرو، وضعیت والدین (تک والد بودن یا دو والد بودن) و وضعیت درآمد ماهانه خانوار از عوامل موثر بر امنیت غذایی خانوار است.

اعتبارسنجی و به کارگیری پرسشنامه HFIAS در سنجش ناامنی غذایی خانوارهای شهری ورامین عنوان تحقیقی است که توسط سالارکیا و همکاران در سال ۱۳۸۸ به اجرا درآمد که براساس یافته‌های آن بیشترین مورد تجربه ناامنی غذایی خانوارها، درک کیفیت ناکافی غذای دریافتی بود. بر اساس تحلیل عاملی انجام شده، دو عامل کیفیت و دریافت ناکافی غذا استخراج شد که در کل ۷۷/۵ درصد از کل واریانس را شامل شدند.

بررسی امنیت غذایی در آفریقای جنوبی عنوان تحقیقی است که الکس دونکن در سال ۱۹۹۹ انجام داد. نتایج نشان می‌دهد که فقر عامل ناامنی غذایی موجود در خانوارهاست.

فرضیه‌های تحقیق

- بین میزان ناامنی غذایی شهروندان و سرمایه اجتماعی آنها رابطه وجود دارد.
- میانگین ناامنی غذایی بر حسب جنسیت شهروندان متفاوت است.
- بین ناامنی غذایی و سن شهروندان رابطه معنی‌داری وجود دارد.
- بین میزان ناامنی غذایی شهروندان و سرمایه اقتصادی آنها رابطه وجود دارد.

تعریف متغیرها

تعریف مفهومی ناامنی غذایی: ناامنی غذایی به مفهوم دسترسی محدود مردم در تمام اوقات به غذای کافی به منظور زندگی سالم و فعال است؛ همچنین فراهم بودن محدود غذای کافی و سالم از نظر تغذیه‌ای و کسب اطمینان از توانایی افراد برای دستیابی به غذای مورد قبول از راه‌های قابل قبول اجتماعی، تعریف می‌شود (حکیم و همکاران، ۱۳۸۹: ۵۶). ناامنی غذایی وقتی اتفاق می‌افتد که افراد برای ارضای گرسنگی‌شان غذای کافی ندارند و رژیم غذایی محدود و ناکافی دارند و نگران دستیابی به مواد غذایی کافی هستند و برای احتراز از گرسنگی و گدایی نیاز به جیره‌بندی غذایی دارند و یا اینکه به برنامه‌های حمایتی اضطراری وابستگی دارند (Bidwell, 2009: 3). رینویل و برینک (۲۰۰۱) بعد روانی یعنی نگرانی در مورد تهیه غذا را اولین و ضعیف‌ترین جزء ناامنی غذایی، تغییر رژیم غذایی و افت کیفیت

غذا را مرحله بعدی و تجربه گرسنگی را شدیدترین سطح ناامنی غذایی دانسته‌اند (قاضی طباطبایی و همکاران، ۱۳۹۰: ۷۴).

تعریف عملیاتی متغیر ناامنی غذایی

برای اندازه‌گیری امنیت غذایی از پرسشنامه استاندارد امنیت غذایی خانوار¹ USDA و HFIAS² استفاده می‌شود که این پرسشنامه‌ها دربرگیرنده سه بعد امنیت غذایی، یعنی مواد غذایی موجود، دسترسی به مواد غذایی و استفاده از مواد غذایی سالم است. یکی از ابزارهای ساده‌ای که امروزه برای اندازه‌گیری امنیت غذایی پیشنهاد می‌شود استفاده از شاخص مقیاس ناامنی غذایی خانوار (از بعد دسترسی) HFIAS است که به پیشنهاد بخش تغذیه FAO و FANTA طراحی شده است. در HFIAS، پرسش‌ها به طور مستقیم به کیفیت تغذیه‌ای اشاره نمی‌کند، بلکه درک خانوار را از تغییرات ایجاد شده در کیفیت غذایی، صرف نظر از ترکیب واقعی غذایی پوشش می‌دهد (سالارکیا و همکاران، ۱۳۹۰: ۳۷۵). لذا به این خاطر در پژوهش حاضر چند سوال در زمینه کیفیت غذایی به این مقیاس افزوده شده است.

با توجه به این امر، برای سنجش ناامنی غذایی شهروندان از ۱۴ گویه ۴ گزینه‌ای، در سطح رتبه‌ای به صورت طیف لیکرت استفاده شده است. به منظور تعیین اعتبار سازه‌ای وسیله اندازه‌گیری، تفکیک و دسته‌بندی سوالات ۱۴ گانه مربوط به ارزیابی ناامنی غذایی، از تکنیک تحلیل عاملی بر اساس تجزیه به مولفه‌های اصلی استفاده شد طبق نتایج این آزمون مقدار $KMO=0.874$ به دست آمد و چون این مقدار از ۰/۵ بزرگ‌تر است، بنابراین نتیجه گرفته می‌شود که تعداد نمونه‌ها برای اجرای تحلیل عاملی بسیار مناسب است؛ زیرا مقدار KMO بین صفر تا یک است و هر قدر به یک، نزدیک‌تر باشد به همان مقدار روایی نمونه بالاتر است. همچنین بر اساس نتایج، مقدار کرویت بارتلت³ برابر $1582/883$ با سطح معنی‌داری $P=0.000$ به دست آمده است و چون این مقدار معنی‌دار است نتیجه می‌شود که

1- United States Department of Agriculture

2- Household Food Insecurity Access Scale

3- Bartlett's Test of Sphericity

تفکیک عامل‌ها به درستی انجام شده است و سوالات مندرج در هر عامل همبستگی ریشه‌ای بالایی با همدیگر دارند.

نتایج تحلیل عاملی نشان می‌دهد که در مجموع ۵۶/۹۵ درصد از واریانس کل عامل‌بندی و تقلیل سوالات ۱۴ گانه با ۳ عامل اصلی انجام شده است که معیار قابل قبولی است، زیرا در تحلیل عاملی، حداقل لازم است ۵۰ درصد از واریانس تبیین گردد. جدول شماره (۱) گویه‌های مربوط به هر عامل را همراه با بار عاملی و مقادیر ویژه و واریانس تبیینی آنها بر اساس نتایج آزمون نشان می‌دهد. بارهای عاملی چرخش داده شده، به روش واریماکس انجام گرفته است.

برای ارزیابی اعتبار گویه‌های مربوط به ناامنی غذایی از اعتبار محتوایی (ارجاع به متخصصان) و اعتبار سازه‌ای از نوع تحلیل عاملی و برای بررسی پایایی گویه‌های مذکور، از ضریب آلفای کرونباخ استفاده گردید که نتایج آن در جدول (۱) نشان داده شده است.

جدول (۱) نتایج تحلیل عاملی مربوط به گویه‌های ناامنی غذایی

ابعاد متغیر وابسته	گویه‌ها و سوالات	بار عاملی	مقادیر ویژه	واریانس تبیین شده	ضریب روایی	درصد تبیین شده	ضریب روایی کل
۳ ۳ ۳ ۳	- در یک ماه گذشته، آیا پیش آمده که شما نتوانسته باشید مواد غذایی را که دوست دارید، بخورید؟ (مثلاً گوشت، مرغ، ماهی، لبنیات، میوه)	۰/۸۰۴	۴/۸۲۴	۳۴/۶۴۰			
	- در یک ماه گذشته، آیا پیش آمده که شما یا یکی از اعضای خانواده به دلیل نداشتن پول کافی، فقط چند نوع غذای تکراری را چند روز پشت سر هم خورده باشید؟	۰/۷۵۷			۰/۸۴	۰/۷۵	
	- در یک ماه گذشته، آیا پیش آمده که شما یا یکی از اعضای خانواده به دلیل نداشتن پول کافی برای خرید انواع غذاها، به ناچار غذایی را که دوست نداشته‌اید، خورده باشید؟	۰/۵۳۷					۵۶/۹۵
	- آیا در یک ماه گذشته، از این بابت که						

ادامه جدول (۱) نتایج تحلیل عاملی مربوط به گویه‌های ناامنی غذایی

ابعاد متغیر وابسته	گویه‌ها و سوالات	بار عاملی	مقادیر ویژه	واریانس تبیین شده	ضریب روایی	درصد تبیین شده	ضریب روایی کل
بازرسی	خانواده‌تان غذای کافی برای خوردن نداشته باشند نگرانی داشته‌اید؟						
	- در یک ماه گذشته، آیا پیش آمده که شما یا یکی از اعضای خانواده به دلیل نداشتن غذای کافی، کمتر از مقداری که احساس می‌کردید نیاز دارید، در یک وعده غذایی خورده باشید و گرسنه از سر سفره بلند شده باشید؟						
	- در یک ماه گذشته، آیا پیش آمده که شما یا یکی از اعضای خانواده به دلیل نداشتن غذای کافی، یک شبانه روز تمام هیچ خوراکی نخورده باشید؟	۰/۷۷	۱/۸۴۷	۱۳/۱۹۲	۰/۸۰		
	- در یک ماه گذشته، آیا پیش آمده که شما یا یکی از اعضای خانواده به دلیل نداشتن غذای کافی، شب گرسنه خوابیده باشید؟	۰/۶۳۵					
	- در طول یک ماه گذشته این اتفاق افتاده است که در خانه چیزی برای خوردن پیدا نکنم.	۰/۵۸۷					
	- در یک ماه گذشته، آیا پیش آمده که به دلیل نداشتن پول کافی برای خرید غذا، هیچ چیزی برای خوردن در خانه شما نباشد.	۰/۵۵۵					
	- در یک ماه گذشته، آیا پیش آمده که شما یا یکی از اعضای خانواده به دلیل نداشتن غذای کافی، یکی از سه وعده غذایی اصلی (ناهار، شام، صبحانه) را حذف کرده باشید؟						
	- مصرف نوشابه‌های گازدار	۰/۷۶۳					
	- مصرف غذاهای سریع‌الخاص	۰/۷۰۶					
	- مصرف غذاهای سرخ‌کردنی	۰/۶۲۹	۱/۳۰۲		۰/۶۲		
- مصرف غذاهای کنسروی	۰/۶۲۰						

تعریف مفهومی سرمایه اجتماعی: از دیدگاه بوردیو سرمایه اجتماعی در برگیرنده روابط اجتماعی ارزشمند میان آدم‌هاست (ریترز، ۱۳۷۴: ۷۲۵). سرمایه اجتماعی به معنی ارتباط بین عاملان و کنشگران (افراد، گروه و سازمان‌ها) برای ایجاد ظرفیت‌هایی جهت اقدام در راستای منافع متقابل و اهداف عمومی تعریف شده است.

تعریف عملیاتی و نحوه سنجش سرمایه اجتماعی: برای سنجش سرمایه اجتماعی شهروندان از ۲۰ گویه ۶ گزینه‌ای در سطح رتبه‌ای به صورت طیف لیکرت استفاده شده است. گویه‌ها در زمینه میزان عضویت و مشارکت در انجمن‌های رسمی و یا غیررسمی، توانایی برای حمایت گرفتن از دیگران به غیر از اعضای خانواده و اقوام در زمان سختی، قبول این نکته که اکثر افراد در جامعه می‌توانند قابل اعتماد باشند و غیره طراحی شده است. به منظور تعیین اعتبار سازه‌ای و تفکیک و دسته‌بندی سوالات ۲۰ گانه مربوط به ارزیابی سرمایه اجتماعی، از تکنیک تحلیل عاملی بر اساس تجزیه به مولفه‌های اصلی استفاده شد. طبق نتایج این آزمون مقدار $KMO=0.780$ به دست آمد و چون این مقدار از ۰/۵ بزرگ‌تر است، بنابراین نتیجه گرفته می‌شود که تعداد نمونه‌ها برای اجرای تحلیل عاملی بسیار مناسب است؛ زیرا مقدار KMO بین صفر تا یک است و هرچه قدر به یک نزدیک‌تر باشد به همان مقدار روایی نمونه بالاتر است. همچنین بر اساس نتایج، مقدار کروییت بارتلت^۱ برابر $1518/205$ با سطح معنی‌داری $P=0.000$ به دست آمده است و چون این مقدار معنی‌دار است نتیجه می‌شود که تفکیک عامل‌ها به درستی انجام شده است و سوالات مندرج در هر عامل همبستگی ریشه‌ای بالایی با همدیگر دارند.

بر اساس اطلاعات جدول شماره (۲) ملاحظه می‌شود که بیشترین مقدار ویژه به ترتیب با ۵/۱، ۲/۷۴ و ۲/۰۷۴ به عامل‌های اول، دوم و سوم مربوط است. با عامل اول حدود ۲۵/۵۰ درصد و با عامل دوم ۱۳/۷ درصد و با عامل سوم ۱۰/۳۷ درصد از واریانس کل عامل‌بندی‌ها قابل تبیین است و در مجموع ۵۰ درصد از واریانس کل عامل‌بندی و تقلیل سوالات ۲۰ گانه با ۳ عامل اصلی انجام شده است که معیار قابل قبولی است؛ زیرا در تحلیل عاملی حداقل لازم است ۵۰ درصد از واریانس تبیین گردد. جدول شماره (۲) گویه‌های

1- Bartlett's Test of Sphericity

مربوط به هر عامل را همراه با بار عاملی و مقادیر ویژه و واریانس تبیینی آنها بر اساس نتایج آزمون نشان می‌دهد. بارهای عاملی چرخش داده شده، به روش واریماکس انجام گرفته است.

برای ارزیابی اعتبار گویه‌های مربوط به سرمایه اجتماعی از اعتبار محتوایی (ارجاع به متخصصین) و اعتبارسازه‌ای از نوع تحلیل عاملی و برای بررسی پایایی گویه‌های مذکور، از ضریب آلفای کرونباخ استفاده گردید که نتایج آن در جدول (۲) نشان داده شده است.

جدول (۲) نتایج تحلیل عاملی مربوط به گویه‌های سرمایه اجتماعی

ابعاد متغیر وابسته	گویه‌ها و سوالات	بار عاملی ویژه	مقادیر واریانس تبیینی شده	ضریب درصد تبیین کل شده	
زندگی روزانه	- با فامیل‌های نزدیکم رفت و آمد خانوادگی داریم.	۰/۷۰۶			
	- معمولاً دوستانم مرا قبول دارند.	۰/۶۸۱			
	- اگر مشکلی برایم پیش آید فامیل و بستگانم از من حمایت می‌کنند.	۰/۶۷۹			
	- اگر مشکلی برایم پیش آید، دوستانم از من حمایت می‌کنند.	۰/۶۳۰		۰/۸۰	
	- دوستانی دارم که می‌توانم هنگام نیاز از آنها کمک بگیرم.	۰/۵۵۲	۰/۵۵۹	۰/۲۵/۵۰	
	- اگر کسی مشکلی داشته باشد و از من کمک بخواهد کمکش می‌کنم.	۰/۵۱۸	۰/۱۰۰		
	- از مشارکت در فعالیت‌های دسته جمعی لذت می‌برم.	۰/۵۱۷			۰/۵۰
	- در ارتباط با زندگی شخصی‌ام با نزدیکان خود به راحتی صحبت می‌کنم.				۰/۸۴
	- اگر کسی در جامعه نیاز مالی داشته باشد حاضرم کمکش کنم.				
	مشارکت اجتماعی	- اگر هیئت‌های مذهبی نیاز مالی داشته باشند، کمکشان می‌کنم.	۰/۷۵۶		
- در مراسم و جشن‌های مذهبی مشارکت می‌کنم.		۰/۷۲۱			
- در هیأت‌های مذهبی مشارکت می‌کنم.		۰/۷۱۴			
- اگر کار خیری باشد معمولاً در آن شرکت می‌کنم.		۰/۷۰۲	۰/۷۴	۰/۱۳/۷	۰/۸۰

ادامه جدول (۲) نتایج تحلیل عاملی مربوط به گویه‌های سرمایه اجتماعی

ابعاد متغیر وابسته	گویه‌ها و سوالات	بار مقادیر واریانس ضریب درصد روایی عاملی ویژه تبیین روایی تبیین کل شده شده
	- تا چه حدی در انجمن‌های محلی (انجمن‌های خیریه و ...) فعالیت دارید. - در رسیدگی به امور محله با هم محله‌ای‌هایم مشارکت دارم.	۵۸۴/
	- مردم تاچه اندازه‌ای در هنگام فروش اجناس خود حاضر به بیان عیب و نقص اجناس و کالاهای خود هستند.	۷۶۸/
	- مردم چقدر به قول و قرارهای خود عمل می‌کنند؟ - به گفته‌های همشهری‌هایم اعتماد کامل دارم. - مردم تاچه اندازه به حفظ و نگهداری وسایل امانت گرفته شده پایبند هستند. - به طور کلی مردم چقدر قابل اعتماد هستند.	۶۷۰/ ۲/۰۷۴ ۱۰/۳۷ ۶۲۰/ ۷۹/ ۵۶۹/

روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش بر اساس هدف تحقیق، از نوع کاربردی است. یعنی، هدف، توسعه دانش کاربردی در یک زمینه خاص (ناامنی غذایی) است. بر اساس نحوه گردآوری داده‌ها، روش پیمایشی است؛ به این معنی که منظور توزیع ویژگی‌های جامعه آماری و تبیین وضعیت موجود و شناسایی رابطه بین رویدادها است. روش تحقیق از لحاظ وسعت، پهنانگر (تحقیق روی جمعیت وسیع) و با در نظر گرفتن معیار زمان، مقطعی است. یعنی، در پژوهش حاضر داده‌ها در مورد چندین صفت مورد مطالعه در مقطعی از زمان گردآوری شده‌اند. نهایت امر اینکه داده‌ها، از طریق نرم‌افزار Spss مورد تجزیه و تحلیل توصیفی و استنباطی دو متغیره و چندمتغیره قرار گرفته‌اند.

جامعه آماری پژوهش حاضر، شامل تمامی شهروندان بالای ۱۵ سال شهر تبریز است. که بر اساس آمار سال ۱۳۸۵، ۱۳۹۸۰۶۰ نفر است. در این تحقیق از روش نمونه‌گیری

خوشه‌ای چند مرحله‌ای استفاده شده است. نمونه آماری پژوهش مورد مطالعه از بین همه شهروندان شهر تبریز به طریق فرمول کوکران محاسبه گردید.

$$n = \frac{Nt^2 pq}{Nd^2 + t^2 . pq}$$

N=تعداد جامعه آماری n=تعداد نمونه آماری p=وجودصفت q=عدم وجودصفت

t=ضریب اطمینان با ۹۹ درصد d=دقت احتمالی برآورد با خطای ۰.۵/

$$\frac{11067331 (1.96)^2 0.5 \times 0.5}{1106731 (0.05)^2 + (1.96)^2 . (0.5 \times 0.5)} = 384$$

یافته‌های تحقیق

نتایج توصیفی تحقیق نشان می‌دهد که کم‌سن‌ترین فرد مورد مطالعه ۱۵ سال و بزرگ‌ترین آنها ۸۰ سال دارد. همچنین میانگین سنی نمونه مورد مطالعه ۳۳/۸۳ سال است.

در ضمن، از ۳۸۵ نمونه آماری، ۱۴۸ نفر مجرد، ۱۹۲ نفر متأهل و ۱۲ نفر مطلقه و ۱۹ نفر همسر مرده بودند. با توجه به اینکه در تحقیق حاضر جامعه آماری بالای ۱۵ سال بوده، بنابراین تعداد متأهلان بیشتر از مجردها بوده است.

همچنین نتایج توصیفی تحقیق نشان می‌دهد که ناامنی غذایی به لحاظ دسترسی به غذا و کفایت غذایی در حد اندک ولی به لحاظ کیفیت غذایی نزدیک به متوسط است. جدول (۳) نتایج توصیفی متغیرها را نشان می‌دهد.

جدول (۳) نتایج توصیفی ناامنی غذایی و سرمایه اجتماعی

متغیر	تعداد گویه	حداقل	حداکثر	میانگین	موقعیت پاسخگو
ناامنی غذایی	۱۴	۰	۴۲	۱۱/۷۶	نزدیک به بندرت
دسترسی به مواد غذایی	۵	۰	۱۵	۴/۲۴	نزدیک به بندرت
کفایت غذایی	۵	۰	۱۵	۲/۳۴	بین اصلا و بندرت
کیفیت غذایی	۴	۰	۱۲	۵/۲۵	بین بندرت و گاهی اوقات
سرمایه اجتماعی	۲۰	۲۰	۱۲۰	۷۸/۲۷	متوسط به بالا
سرمایه اقتصادی	۴	۴	۲۴	۱۱/۳۲	تأحدی کم

سرمایه اجتماعی و ناامنی غذایی

نتایج تحقیق نشان می‌دهد با $\text{sig} = /0.02$ رابطه معنی‌داری بین سرمایه اجتماعی با ناامنی غذایی وجود دارد. ضریب همبستگی به دست آمده $-/24$ است که نشان‌دهنده همبستگی ضعیف و معکوس است؛ یعنی، با بالا رفتن سرمایه اجتماعی شهروندان، ناامنی غذایی آنها کاهش می‌یابد. همچنین بین سرمایه اجتماعی با بعد دسترسی به غذا و کفایت غذایی ارتباط معنی‌دار و معکوس است، یعنی با بالا رفتن سرمایه اجتماعی دسترسی به غذا و کفایت غذایی بهبود می‌یابد، ولی بین سرمایه اجتماعی و کیفیت غذایی رابطه معنی‌دار نیست. در زمینه بعد حمایتی و سرمایه اجتماعی هم نتایج نشان می‌دهد که بین حمایت اجتماعی با ناامنی غذایی رابطه کاملاً معنی‌دار وجود دارد. ضریب همبستگی به دست آمده $-/324$ است که نشان‌دهنده همبستگی متوسط و معکوس است؛ یعنی با بالا رفتن حمایت اجتماعی شهروندان، ناامنی غذایی آنها کاهش می‌یابد. همچنین بین حمایت اجتماعی با بعد دسترسی به غذا و کفایت غذایی، رابطه معنی‌دار و معکوس است، یعنی با بالا رفتن حمایت اجتماعی دسترسی به غذا و کفایت غذایی بهبود می‌یابد، ولی بین حمایت اجتماعی و کیفیت غذایی در ۹۵ درصد حدود اطمینان رابطه معنی‌دار نیست.

در زمینه بعد مشارکت نیز نتایج تحقیق نشان داد، رابطه معنی‌داری بین مشارکت اجتماعی با ناامنی غذایی وجود دارد. ضریب همبستگی به دست آمده $-/15$ است، که نشان‌دهنده همبستگی معکوس و ضعیف است، یعنی شهروندانی که مشارکت اجتماعی بالایی دارند از نظر ناامنی غذایی کمتر آسیب‌پذیرند. همچنین این رابطه معنی‌دار به شکل ضعیفی بین ابعاد دسترسی به غذا و کفایت غذایی وجود دارد، ولی بین مشارکت اجتماعی و کیفیت غذایی رابطه معنی‌دار مشاهده نشد و در زمینه بعد اعتماد، سرمایه اجتماعی نتایج نشان داد که بین بعد اعتماد اجتماعی با ناامنی غذایی و ابعاد آن رابطه معنی‌داری وجود ندارد. جدول (۴) نتایج این آزمون‌ها را نشان می‌دهد.

جدول (۴) نتایج آزمون همبستگی پیرسون مربوط به رابطه ابعاد سرمایه اجتماعی با ناامنی غذایی و ابعادش

دسترسی به غذا				کفایت غذایی		کیفیت غذا		ناامنی غذایی	
حمایت	ضریب همبستگی	-۰/۳۱۹	-۰/۳۸۲	۰/۱۱	-۰/۳۲۴	اجتماعی	سطح معنی داری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
اعتماد	ضریب همبستگی	-۰/۰۵۱	۰/۰۷۷	-۰/۰۳۲	-۰/۰۰۴	اجتماعی	سطح معنی داری	۰/۳۴۱	۰/۹۴۷
مشارکت	ضریب همبستگی	-۰/۱۴۵	-۰/۱۱۸	۰/۰۱۲	-۰/۱۵۳	اجتماعی	سطح معنی داری	۰/۰۰۸	۰/۰۰۶
سرمایه	ضریب همبستگی	-۰/۲۳۰	-۰/۲۶۲	۰/۰۵۸	-۰/۲۴۳	اجتماعی	سطح معنی داری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۲

سرمایه اقتصادی و ناامنی غذایی

نتایج آزمون تحقیق نشان می‌دهد که با $\text{sig}=/۰۰۰$ رابطه کاملاً معنی‌داری بین سرمایه اقتصادی با ناامنی غذایی وجود دارد. ضریب همبستگی به دست آمده $-/۴۰۰$ است که نشان‌دهنده همبستگی متوسط و معکوس است؛ یعنی با بالا رفتن سرمایه اقتصادی شهروندان، ناامنی غذایی آنها کاهش می‌یابد. در باره رابطه بین سرمایه اقتصادی با ابعاد ناامنی غذایی نتایج نشان می‌دهد که سرمایه اقتصادی با هر سه بعد ناامنی غذایی رابطه معنی‌داری دارد؛ به طوری که بین سرمایه اقتصادی با دسترسی به مواد غذایی و کفایت غذایی رابطه معکوس است؛ یعنی با بالا رفتن سرمایه اقتصادی دسترسی به غذا و کفایت غذایی بهتر می‌شود، ولی بین سرمایه اقتصادی با بعد کیفیت غذایی رابطه مستقیم است، یعنی با بالا رفتن سرمایه اقتصادی تغذیه شهروندان ناامن‌تر می‌شود و به عبارتی استفاده از فست‌فودها در بین افراد پولدار بیشتر است. جدول (۵) نتایج به دست آمده را نشان می‌دهد.

جدول (۵) نتایج رابطه بین ناامنی غذایی و ابعاد آن با سرمایه اقتصادی

تعداد مشاهدات	ضریب همبستگی	سطح معنی‌داری	ابعاد آن	سرمایه اقتصادی با ناامنی غذایی و ابعاد آن
۳۲۹	-/۴۰۰	/۰۰۰	ناامنی غذایی	
۳۴۰	-/۴۸۴	/۰۰۰	بعد دسترسی به غذا	
۳۵۱	-/۳۱۷	/۰۰۰	کفایت غذایی	
۳۵۲	/۱	/۰۵	کیفیت غذایی	

رابطه بین سن و ناامنی غذایی

نتایج نشان می‌دهد با $\text{sig}=/0.28$ رابطه معنی‌داری بین سن و ناامنی غذایی وجود دارد. ضریب همبستگی به دست آمده $-/16$ است که نشان‌دهنده همبستگی ضعیف و معکوس است. یعنی با بالا رفتن سن شهروندان، ناامنی غذایی آنها بیشتر می‌شود. در مورد رابطه سن با ابعاد ناامنی غذایی باید گفت که بین سن و کفایت غذایی و دسترسی به غذایی رابطه مستقیم و معنی‌دار است؛ یعنی با بالا رفتن سن ناامنی غذایی در این زمینه‌ها بیشتر می‌شود ولی بین سن و کیفیت غذایی رابطه معنی‌دار و معکوس است. یعنی با بالا رفتن سن شهروندان کیفیت غذایی آنها بهتر می‌شود. جدول (۶) نتایج به دست آمده را نشان می‌دهد.

جدول (۶) نتایج رابطه بین ناامنی غذایی و ابعاد آن با سن

سن با ناامنی غذایی و ابعاد آن	سطح معنی‌داری	ضریب همبستگی	تعداد مشاهدات
ناامنی غذایی	$/0.28$	$/156$	۳۳۵
بعد دسترسی به غذا	$/0.22$	$/123$	۳۴۸
کفایت غذایی	$/0.02$	$/161$	۳۶۲
کیفیت غذایی	$/0.00$	$-/229$	۳۶۱

جنسیت و ناامنی غذایی

برای آزمون تفاوت میانگین ناامنی غذایی بر حسب جنسیت از آزمون تفاوت میانگین‌ها استفاده شد. بر اساس یافته‌های توصیفی میانگین ناامنی غذایی برای مردان $12/68$ و برای زنان $11/44$ است. نتایج حاصل از آزمون تفاوت میانگین ناامنی غذایی در میان شهروندان زن و مرد، بر اساس کمیت f و سطح معنی‌داری به دست آمده با $\text{sig}=/0.89$ نشان می‌دهد، بین میانگین‌های زنان و مردان تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. همچنین نتایج آزمون تفاوت میانگین‌ها نشان می‌دهد که بین میانگین ابعاد ناامنی غذایی بر حسب جنسیت شهروندان تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. فقط در زمینه دسترسی به غذا، میانگین ناامنی زنان بیشتر از مردان بوده است. جدول (۷) نتایج آزمون تفاوت میانگین ناامنی غذایی و ابعاد آن را بر اساس جنسیت نشان می‌دهد.

جدول (۷) نتایج آزمون تفاوت میانگین ناامنی غذایی و ابعاد آن بر اساس جنسیت

متغیر	جنسیت	تعداد مشاهدات	میانگین	درجه آزادی	مقدار t	سطح معنی‌داری
ناامنی غذایی	مرد	۸۸	۱۲/۶۸	۳۴۵	۱/۷۰۳	۰/۰۸۹
	زن	۲۵۹	۱۱/۴۴			
کیفیت غذایی	مرد	۹۷	۴/۹۴	۳۷۲	-۱/۳۹۲	۰/۱۶۵
	زن	۲۷۷	۵/۳۶			
کفایت غذایی	مرد	۹۶	۲/۸	۳۷۴	۱/۹۱۱	۰/۰۵۷
	زن	۲۸۰	۲/۱۹			
دسترسی به غذا	مرد	۹۱	۴/۹۷	۳۶۰	۲/۲۸۹	۰/۰۲۳
	زن	۲۷۱	۳/۹۹			

تعیین‌کننده‌های ناامنی غذایی: مدل رگرسیونی

بنابراین، برای تعیین سهم تأثیرگذاری نسبی متغیرهای مستقل بر ناامنی غذایی از تحلیل رگرسیونی چندمتغیره با روش گام به گام استفاده شد. از بین متغیرهای مستقل، متغیرهای حمایت اجتماعی و سرمایه اقتصادی وارد معادله شدند که در مجموع ۲۵ درصد از تغییرات مربوط به ناامنی غذایی را این دو متغیر تبیین می‌کنند و مابقی واریانس تبیین نشده متأثر از متغیرهای دیگری است که در مدل این تحقیق آورده نشده‌اند. در میان این دو متغیر، سهم سرمایه اقتصادی با بتای $-۰/۳۹$ بیشتر از سهم حمایت اجتماعی با ضریب بتای $-۰/۲۸$ بوده است؛ یعنی با کنترل سایر متغیرها، به ازای یک واحد تغییر در سرمایه اقتصادی، ناامنی غذایی $۰/۳۹$ واحد تغییر می‌کند. نتایج رگرسیونی نشان‌دهنده این است که با افزایش سرمایه اقتصادی و حمایت اجتماعی از میزان ناامنی غذایی کاسته می‌شود. در نهایت متغیرهای سن، جنسیت، اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی از مدل رگرسیونی خارج شده‌اند. جداول (۷ و ۸) نتایج تحلیل رگرسیون چندمتغیره را نشان می‌دهد.

جدول (۷) نتایج آزمون رگرسیون چندمتغیره تعیین‌کننده‌های ناامنی غذایی

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معنی‌داری
رگرسیون	۲۱۴۵/۶۱۵	۲	۱۰۷۲/۸۰۷	۴۱/۶۴۸	۰/۰۰۰
باقی مانده	۶۳۳۶/۶۵۱	۲۴۶	۲۵/۷۵۹		
کل	۸۴۸۲/۲۶۵	۲۴۸			

جدول (۸) ضرایب بتای متغیرهای مربوط به مدل رگرسیونی ناامنی غذایی

سطح معنی‌داری	T	b	β	
/۰۰۰	۱۳/۴۸۲		۲۶/۲۶۸	عرض از مبدا
/۰۰۰	-۷/۰۸۰	-/۴۰۵	-/۴۸۷	سرمایه اقتصادی
/۰۰۰	-۵/۱۰۵	-/۲۸۲	-/۲۳۱	حمایت اجتماعی
/۶۲۲	-/۴۹۴	-/۰۳۲	-/۰۳۰	مشارکت اجتماعی
/۱۰۱	۱/۶۴۵	/۱۰۵	/۰۹۷	اعتماد اجتماعی
/۱۱۷	-۱/۵۷۱	-/۱۰۰	-/۰۸۷	جنسیت
/۲۱۳	-۱/۲۴۹	-/۰۸۰	-/۰۷۱	سن

نتیجه‌گیری

امروزه از دیدگاه‌های مختلف (کشاورزی، پزشکی و...) به بحث مربوط به ناامنی غذایی پرداخته شده است. در این پژوهش هدف رد یا انکار تأثیر سایر حوزه‌های زیستی و پزشکی بر ناامنی غذایی نیست، بلکه هدف بررسی گوشه‌ای از ابعاد اجتماعی و فرهنگی مرتبط با ناامنی غذایی است. بنابراین از بین ابعاد و دیدگاه‌های مختلف بر بعد جامعه‌شناختی ناامنی غذایی تأکید شد.

نتایج توصیفی تحقیق نشان می‌دهد که میانگین ناامنی غذایی در حوزه‌های دسترسی به غذا و کفایت غذایی شهروندان تبریزی خیلی اندک است ولی در زمینه کیفیت غذای مصرفی میانگین ناامنی نسبت به دو حوزه قبلی بیشتر است. بر اساس نظر آنتونی گیدنز در مورد مدرنیته و وضعیت زندگی اجتماعی حاصل از یک انقلاب صنعتی، درست است که مدرنیته احتمال خطر را در بعضی از حوزه‌ها و سبک‌های زندگی کاهش داده، ولی در عین حال پارامترهای خطرآفرین نوین و کاملاً ناشناخته‌ای را نیز به همان حوزه‌ها وارد کرده است. این پارامترها، خطرهای احتمالی بدفرجامی را نیز در بر دارند. در زمینه ناامنی غذایی هم درست است که در زمینه دسترسی به مواد غذایی و کفایت غذایی روند بهبود یافته‌ای را در جامعه شاهد هستیم، ولی کیفیت غذای مصرفی همان پارامتر خطرآفرین است که در جامعه شیوع کرده و رفته رفته بیشتر هم می‌گردد. مطالعات خدادادکاشی و حیدری (۱۳۸۳)

هم نشان می‌دهد که سطح امنیت غذایی در خانوارهای شهری و روستایی ایران، طی سال‌های ۷۹-۱۳۶۴ روند صعودی داشته است (مهرابی، موسوی محمدی، ۱۳۸۹: ۳).

نتایج تحقیق نشان می‌دهد که بین سرمایه اقتصادی و ناامنی غذایی رابطه معنی دار و معکوس وجود دارد، که با نتایج مطالعه رامش، درستی مطلق و عبدالهی در شیراز مطابقت دارد.

در مطالعات کندال و همکاران (۱۹۹۶)، فقر به عنوان ناتوانی در برآورد ساختن نیازهای بنیادی انسان تعریف شده و گرسنگی نیز عامل ارتباطی بین فقر و ناامنی غذایی است، همچنین مطالعه قاسمی (۱۳۷۷) در ایران نشان می‌دهد که ۲۰ درصد افراد جامعه استطاعت مالی لازم برای سیر کردن خود را ندارند (درستی و همکاران، ۱۳۸۷: ۲). نتایج تحقیق حاضر که نشان از رابطه معنی‌دار سرمایه اقتصادی با ناامنی غذایی دارد با یافته‌های کندال و همکاران و قاسمی مطابقت دارد.

بحث ناامنی غذایی یک پدیده چند بعدی است و بالا بودن آن دلیلی بر امنیت در تمامی جنبه‌ها و زوایای آن نیست. همچنانکه نتایج تحقیق هم نشان می‌دهد سرمایه اقتصادی با هر سه بعد ناامنی غذایی رابطه معنی‌دار دارد. منتها رابطه سرمایه اقتصادی با ناامنی غذایی در حوزه دسترسی به غذا و کفایت غذایی معکوس، ولی رابطه سرمایه اقتصادی با بعد ناامنی در زمینه کیفیت غذایی مستقیم است؛ لذا می‌توان چنین نتیجه گرفت که ناامنی غذایی به طور عام در بین همه طبقات درآمدی (بالا و پایین) به نحوی دیده می‌شود، ولی آنچه که در این زمینه متفاوت است شکل آن است؛ به طوری که در طبقات پایین ناامنی غذایی بیشتر در بعد کمی و در طبقات بالا ناامنی غذایی بیشتر در بعد کیفیت آن خودنمایی می‌کند. در این زمینه بایستی بسته‌های پیشنهادی برای کاهش ناامنی غذایی، بر اساس طبقات درآمدی متفاوت طراحی و اجرا گردد، به شکلی که اگر تهیه مواد غذایی مورد نیاز برای طبقات پایین جزو سیاست‌گذاری و برنامه‌های رفاهی جامعه قرار می‌گیرد، توجه به کیفیت غذایی و آگاهی بخشیدن در این زمینه برای تمامی افراد جامعه بویژه طبقات بالا بایستی سرلوحه چنین برنامه‌هایی گردد.

نتایج استنباطی تحقیق نشان می‌دهد که با بالا رفتن سرمایه اجتماعی بویژه حمایت اجتماعی و مشارکت اجتماعی شهروندان از میزان ناامنی غذایی آنها کاسته می‌شود. بر اساس نظر سسگویا، سرمایه اجتماعی احتمال افزایش امنیت غذایی در هر دو سطح جامعه و خانوار را تقویت می‌کند. سرمایه اجتماعی در همه زمان‌ها بویژه در زمان بحرانی نقش تسهیل‌کننده در دسترسی به مواد غذایی برای خانوارها و یا جوامع آسیب‌دیده از طریق امکان دسترسی به شبکه روابط خویشاوندی، همبستگی اجتماعی را در جامعه افزایش می‌دهد. در قالب سرمایه اجتماعی دسترسی به اطلاعات، منابع رسمی و غیررسمی به واسطه هنجارهای روابط متقابل، اعتماد متقابل و همبستگی در سطوح خانوادگی و اجتماعی آسان‌تر می‌گردد و بدین طریق سرمایه اجتماعی با مکانیسم‌های مختلف در سطح خانواده و جامعه موجب افزایش امنیت غذایی می‌شود. در همین راستا، کاواچی نیز استدلال می‌کند که سرمایه اجتماعی قادر است شانس دسترسی به انواع مختلف حمایت‌های اجتماعی در زمان‌های مورد نیاز را افزایش دهد و از این طریق باعث بالا رفتن امنیت غذایی گردد. در جامعه‌ای که سرمایه اجتماعی در سطح بالایی قرار دارد، به احتمال بیشتر مشتریان فروشگاه‌های مواد غذایی، به جهت اعتبار و حسن نظر، مواد غذایی لازم را به صورت نسیه می‌دهد تا مشتریان بعداً پول آن را پرداخت نمایند. در مقابل، جامعه‌ای با سرمایه اجتماعی پایین‌تر به احتمال زیاد ممکن است علی‌رغم تلاش خانوارها، جهت دسترسی به مواد غذایی پشتیبانی از همسایگان دریافت نکنند. نتایج تحقیق حاضر با نظریه‌های یاد شده در زمینه امنیت غذایی مطابقت دارد. لذا پیشنهاد می‌گردد که در زمینه سرمایه اجتماعی و نحوه افزایش آن تحقیقات علمی صورت گیرد و در این زمینه برنامه ریزی‌های خاص از طریق رسانه‌های جمعی انجام شود.

نتایج نشان داد که بین سن و ناامنی غذایی رابطه معنی داری وجود دارد. به طوری که با بالا رفتن سن، میزان ناامنی غذایی بویژه به لحاظ دسترسی به غذا و کفایت غذایی بیشتر می‌گردد. لازم است که در این زمینه در جامعه سیاست‌های رفاهی برای سالمندان و بازنشستگان وجود داشته باشد. با توجه به اینکه در هرم سنی جمعیتی این قشر در جامعه در حال افزایش است بایستی سیاست‌های منسجم و هدفمند در این زمینه صورت گیرد و اجرا

گردد و گرنه هزینه‌های بیماری و درمان ناشی از سوء تغذیه این قشر بیشتر از برنامه‌های اجرایی در زمینه امنیت غذایی این قشر خواهد بود. در این زمینه مشاهده می‌گردد که با بالا رفتن سن، ناامنی از بعد کیفیت غذایی کمتر می‌شود که این امر ناشی از این است که به دلیل شرایط جسمانی، افراد سالمند بیشتر استراتژی پرهیز از تغذیه ناسالم را برای سلامت و بهبود خود برمی‌گزینند.

منابع

- بابازاده، رضا (۱۳۹۰) مطالعه جامعه‌شناختی عوامل موثر بر ناامنی غذایی (مورد مطالعه: شهروندان ۴۹-۱۵ سال شهر تبریز)، *پایاننامه ارشد، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، گروه علوم انسانی، بهمن*.
- جعفری‌ثانی، مریم و محمد بخشوده (۱۳۸۷) بررسی توزیع مکانی فقر و ناامنی غذایی خانوارهای شهری و روستایی به تفکیک استانی در ایران، *اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال شانزدهم، شماره ۶۱، صص ۱۰۳-۱۲۳*.
- حکیم، سیده‌سارا و همکاران (۱۳۸۹) ارتباط ناامنی غذایی و برخی عوامل اجتماعی - اقتصادی خانوار با وضعیت نمایه توده بدن در زنان شهر دزفول، *مجله دانشکده بهداشت و انستیتو تحقیقات بهداشتی، دوره ۸، شماره ۲، تابستان، صص ۶۶-۵۵*.
- درستی، احمدرضا و همکاران (۱۳۸۷) ارتباط امنیت غذایی با چاقی و عوامل خانوادگی مرتبط با آنها، *مجله دانشکده بهداشت و انستیتو تحقیقات بهداشتی، دوره ۶، شماره ۱، بهار، صص ۱-۹*.
- دستگیری، سعید و همکاران (۱۳۸۵) عوامل موثر بر ناامنی غذایی: یک مطالعه مقطعی در شهر تبریز سال ۸۴-۱۳۸۳، *مجله علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی اردبیل، دوره ششم، شماره سوم، پاییز، صص ۲۳۳-۲۳۹*.
- رینزر، جورج (۱۳۷۴) *نظریه‌های جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، نشر نی*.
- رهبر، فرهاد و علی مبینی دهکردی (۱۳۸۳) رویکردی نو به راهبرد امنیت غذایی (از منظر عرضه با ثبات مواد غذایی)، *فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، شماره ۱۴، زمستان، صص ۱-۱۸*.
- رامش، طاهره؛ درستی مطلق، احمدرضا و مرتضی عبداللهی (۱۳۸۷) شیوع ناامنی غذایی در خانوارهای شهر شیراز و ارتباط برخی عوامل اقتصادی-اجتماعی و جمعیتی با آن در سال، *مجله علوم تغذیه و صنایع غذایی ایران، سال چهارم، شماره ۴، زمستان*.
- رحمانی، رهام و بهاء‌الدین نجفی (۱۳۹۰) بررسی همبستگی سرمایه اجتماعی و رفاه تولیدکنندگان روستایی و عشایری در استان فارس، *فصلنامه علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی، سال یازدهم، شماره ۴۲*.

- ریاحی، محمداسماعیل (۱۳۸۴) بررسی تطبیقی تفاوت‌های جنسیتی در عادت‌های غذایی دانشجویان ایرانی و هند، سال ۳، صص ۹۷-۱۲۶، تابستان و پاییز.
- سالارکیا، ناهید و همکاران (۱۳۹۰)، اعتبارسنجی و به کارگیری پرسش‌نامه HFIAS در سنجش ناامنی غذایی خانوارهای شهری ورامین در سال ۱۳۸۲، مجله غدد درون‌ریز و متابولیسم ایران، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی - درمانی شهید بهشتی، دوره سیزدهم، شماره ۴، صص ۳۷۴-۳۸۳.
- شرفخانی، رحیم و همکاران (۱۳۹۰) شیوع و عوامل موثر بر ناامنی غذایی خانوار: یک مطالعه مقطعی (دهستان قره‌سو، شهرستان خوی - ۱۳۸۸)، مجله پژوهشی ارومیه، دوره بیست و دوم، شماره دوم، صص ۱۲۳-۱۲۸، خرداد و تیر.
- عبادی، فرزانه (۱۳۸۳) امنیت غذایی و توزیع درآمد، تهران، مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی.
- قاضی طباطبائی، محمود و همکاران (۱۳۹۰) تعیین‌کننده‌های اجتماعی، جمعیتی شدت ناامنی غذایی در میان قشرهای آسیب‌پذیر منطقه ۲۰ شهر تهران، فصلنامه علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی، بهار، صص ۷۱-۹۴.
- محمدپور کلد، معصومه؛ مرادعلی فولادوند و مهران آوخ کیسمی (۱۳۸۹)، عدم امنیت غذایی به عنوان عامل خطر جت چاقی در خانم‌های کم درآمد بوشهری، فصلنامه طب جنوب دانشگاه علوم پزشکی و خدمات درمانی بوشهر، سال سیزدهم، شماره ۴، صص ۲۷۲-۲۶۳.
- مهرابی بشرآبادی، حسین و موسوی محمدی، حمیده (۱۳۸۹) تأثیر حمایت‌های دولت از بخش کشاورزی بر امنیت غذایی خانوارهای شهری در ایران، اقتصاد کشاورزی، جلد ۴، شماره ۳، صص ۱-۱۶.
- Bidwell, Susan and et.al., (2009) Food Security A Review and Synthesis of Themes from the Literature Paper Prepared for Programme Area Four Community and Public Health Christchurch, Canterbury District Health Board.
- Germov, John and Williams, Lauren, (2004) A Sociology of Food & Nutrition: The Social Appetite, Oxford University Press.

-
- Martin, K.S., and et al. (2004) *Social Capital is Associated with Decreased Risk of Hunger*, *Social Science & Medicine*, 58: 2645-2654.
 - Sseguya, Haroon (2009), *Impact of Social Capital on Food Security in Southeast Uganda*, PhD Thesis, Iowa State University, Ames, Iowa.
 - Power, M., Elaine (2004) *The Determinants Of Healthy Eating Among Low-Incomeadians Scoping Paper*, Prepared for: The Office of Nutrition
 - Reid, Lori L., (1997) *The Consequences of Food Insecurity for Child Well-Being: An Analysis of Children's School Achievement, Psychological Well-Being, and Health*, Department of Sociology, Florida State University.